

یار با وفای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

<?xml encoding="UTF-8">

بنا به نقل شیخ مفید قدس سره سال دهم بعثت حضرت ابوطالب عم و یار با وفای پیامبر (صلی الله علیه و آله) وفات یافت. همان مرد بزرگواری که در تمام نشیب و فرازهای دوران رسالت و قبل از رسالت برادر زاده عزیزش را یاری کرد و شر قریش را از او بازداشت و قلب نازنین پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در تبلیغات و رسالت الهی خوشحال و مسرور نمود، و با کلماتی نظیر: "اذهب یابن اخی فقل ما احببت فوالله لا اسلمک لشیء ابدًا" ای پسر برادرم برو و هر چه دوست می‌داری بگو (با مشرکین و قریش) به خدا سوگند تو را در هیچ پیش آمدی و نمی‌گذارم، (نوازش می‌نمود) و از او پشتیبانی می‌کرد.

زندگی نامه حضرت ابوطالب (علیه السلام) ابو طالب، مرد ستوده خصال ابوطالب، پدر بزرگوار امیرمومنان علی(علیه السلام)، عمو و برادر پدر بزرگوار پیامبر است، که هر دو از يك مادرند. او در این باره این چنین سروده است:

لا تخذلا و انصرا ابن عمکما

إخی لامی من بینهم و اِبی

پسر عمومیتان را تنها و بی یاور مگذارید و یارباش کنید که از میان برادرانم فرزند برادر ابوینی من است.

1- معروف عصر: جناب ابو طالب به عظمت شخصیت و اقتدار و مبلغ دین ابراهیمی معروف عصر خویش است.

2- سنت های پذیرفته: سنت های نیکی در جامعه جاهلیت بنا نهاد که کلام وحی برخی از آنها را تأیید فرمود. او بنیانگذار قسامه است که در سیستم قضایی اسلام پذیرفته شد. [نیکوان رفتند و سنت ها بماند و زلئیمان ظلم و لعنت ها بماند]

3- بنده خدا: ابو طالب معروف به ((عبد مناف)) بوده اند، که به معنای بنده خدای متعال است (هم نام با جد سوم پیامبر)

4- مبارزه با کفر: او مانند پدر مسیر یکتا پرستی را در پیش گرفت و کفر و شرک و جهل او را تحت تأثیر قرار نداد.

5- دلایل ایمان او: سروده ها و اشعار او تفکر و ایمان او را بوضوح آشکار می نماید (در پایان این نوشتار به ابیاتی از اشعار او اشاره می شود).

6- صفای دل: از جمله مسایلی که صفای دل و پاکی قلب ابوطالب را اثبات می کند، این است که اهالی حجاز در قحطی بسر می بردند، مردم در چنین وضع نگران کننده ای از ابوطالب خواستند از جای برخیزد و از خدا طلب باران نماید، او پذیرفت و در حالی که پسری چون خورشید درخشان به همراه می برد به سوی خانه خدا رفت. سپس به آن کودک گفت که پشت خویش را به خانه کعبه قرار دهد و در حالی که او را به سر دستان خود بلند کرده بود، از خدا طلب باران نمود. آسمان خالی از ابر بلافاصله ابری شد، سپس باران شدیدی در گرفت، آنچنان که کل منطقه حجاز را سیراب کرد و آن دره خشک شکفته شد. کودکی که ابوطالب به همراه برده بود کسی نبود جز پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله).

[هرکسی اندازه روشن دلی

غیب را ببند به قدر صیقلی

هرکه صیقل بیش کرد او بیش دید

بیشتر آمد بر او صورت پدید
گر تو گویی کان صفا فضل خداست
نیزاین توفیق صیقل زآن عطاست]

7- رویای صادق: ابوطالب، در حجر اسماعیل، در رویایی راستین دید که دری از آسمان به روی او گشوده شده و از آن نوری پایین آمده و اطراف را روشن کرد.

[بس عجب در خواب روشن می شود

دل درون خواب روزن می شود

آن چنان که یوسف صدیق را

خواب بنمودی و گشتش متکا]

از خواب برخاست و نزد کسی که خواب ها را تعبیر می کرد، رفت و ماجرای خواب خود را شرح داد. او گفت: بر تو مژده باد که بزودی دارای فرزندی با شرافت خواهی شد. کلینی در ((کافی)) روایت کرده است که، هنگامی که فاطمه بنت اسد نزد ابوطالب آمده و او را به ولادت پیامبر بشارت داد، او نیز همسرش را از ولادت علی(علیه السلام) با خبر ساخت.

8- سرپرستی رسول خدا(صلي الله عليه وآله): ابوطالب از میان فرزندان عبدالمطلب به علت داشتن اخلاقی برتر و روشی پسندیده تر و نیز شدت و کثرت و عمق عواطف نسبت به رسول خدا (صلي الله عليه وآله) و علاوه بر همه اینها ارادت ویژه اش نسبت به پیامبر به عنوان سرپرست رسول خدا (صلي الله عليه وآله) برگزیده شد.

9- تربیت و نگهداری رسول خدا(صلي الله عليه وآله): علاقه بسیار ابوطالب به پیامبر و نیز آگاهی او از آینده درخشان و رسالت الهی او موجب گردید از فداکاری و مجاهدت در مورد تربیت و نگهداری رسول خدا (صلي الله عليه وآله) لحظه ای دریغ نکرده و در همه جا حتی هنگام خطر او را بر خویش مقدم می داشت

10- توصیه به همسر: هنگامی که او را به خانه آورد، به همسر خود گفت: ((این فرزند برادرم است که در نزد من از جان و مالم عزیزتر است. مراقب باش! مبادا احدی او را از آنچه می خواهد، منع کند)) و فاطمه بنت اسد هم چنین بود و به بهترین صورت او را مراقبت می کرد و مانند مادری به او مهربانی می نمود.

11- سدی ستبر در مقابل مشرکان: مورخان از ابن عباس نقل کرده اند: ابوطالب رسول خدا را بسیار دوست می داشت به طوری که حتی به فرزندان خود نیز این قدر محبت نمی کرد، فقط در کنار او می خوابید و هر گاه بیرون می رفت او را با خود می برد. با مرگ ابوطالب قریش آزار و اذیتی را که در زمان حیات وی نمی توانستند نسبت به پیامبر اعمال کنند، آغاز کردند. چنان که خود پیامبر نیز بارها به این نکته اشاره فرموده اند.

12- مجازات دشمنان رسول خدا(صلي الله عليه وآله): وقتی به ابوطالب خبر دادند که شخصی به نام عبدالله زبیری برای دلخوشی ابوجهل و ایجاد دشمنی، به هنگام نماز شکمه شتر بر سر پیامبر انداخت، بدون درنگ شمشیر خود را برداشت و به مسجد رفت و فرمان داد که همان کار را با عبدالله بکنند. قریش که چنین دیدند، با خود گفتند: تا ابوطالب زنده است نمی توانیم پیامبر را از هدفش بازداریم.

13- توصیه به فرزند: هنگامی که در غار حرا کلام خدا بر پیامبر نازل شد و فرزندش علی(علیه السلام) با آن حضرت نماز گزارد و به پدر گزارش داد که من به رسول اکرم(صلي الله عليه وآله) ایمان آورده ام، ابوطالب گفت: ((فرزندم او تو را جز به نیکی نمی خواند، حتما با او باش)).

14- حمایت آشکار: چون آیه ((وانذر عشیرتک الاقربین)) نازل گردید و پیامبر خویشاوندان خود را فراخواند آنان را

به آیین خویش دعوت کرد، به رغم مخالفت آنان، ابوطالب گفت: ای پیامبر مدد و یاری تو برای ما بسیار دوست داشتنی است. به خیر خواهی تو روی آورده ام و به طور کامل سخنان تو را تصدیق می کنم. برو و مأموریت خویش را به انجام رسان که به خداوند سوگند حافظ تو خواهم بود و به جدایی از تو رضایت نمی دهم.

15- تهدید دشمنان رسول خدا (صلي الله عليه وآله): روزی پیامبر از خانه ابوطالب بیرون آمد و به منزل بازنگشت، عمویش احساس کرد، حتما مشرکان پیامبر را به قتل رسانده اند. تمام فرزندان هاشم و عبدالمطلب را به خانه دعوت کرد و دستور داد هر کدام سلاح برنده ای زیر لباس خود پنهان کنند و دسته جمعی وارد مسجدالحرام شوند، به آنان گفت: هر کدام در کنار یکی از سران قریش بنشینید هر زمان از شما خواستم از جای برخیزید و آنان را به قتل برسانید. سپس توسط زید بن حارثه به ابوطالب خبر رسید که به حضرت محمد (صلي الله عليه وآله) آسیبی نرسیده است و در خانه یکی از مسلمانان مشغول تبلیغ است، گر چه این نقشه عملی نشد، اما ابوطالب، در برابر مشرکان ایستاد و آنان را از این ماجرا آگاه کرد و افزود: اگر او را می کشتید احدی از شما را زنده نمی گذاشتم و تا آخرین نفس با شما نبرد می کردم.

[واستان از دست دیوانه سلاح

تا ز تو راضی شود عدل و صلاح

چون سلاح و جهل، جمع آید به هم

گشت فرعونی جهان سوز از ستم]

16- حامی مبلغان دین اسلام: اخبار و روایات متواتر و بسیاری حاکی از آن است که ابوطالب، در گسترش دین اسلام به پیامبر یاری می رساند و فرزندان، بستگان و اهل مکه را به پیروی و حمایت از وی فرا می خواند. (عثمان بن مظعون)) که مسلمانی راستین به شمار می آمد، روزی در کنار کعبه، بت پرستان را از روش مذمومی که داشتند بر حذر می داشت و آنان را موعظه می کرد. گروهی از جوانان قریش به او حمله کردند و یکی از آنان آسیب سختی به چشم او وارد کرد. ابوطالب از این ماجرا ناراحت شد و سوگند خورد که تا ضارب را قصاص نکنم خاموش نخواهم شد.

17- تقدیر از نجاشی: هنگامی که مسلمانان به حبشه رفتند مورد مهر و حمایت نجاشی قرار گرفتند، مشرکان می خواستند تا نجاشی را از پناه دادن آنان بازدارند، اما او اعتنایی نکرد.

ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب

از ره پنهان که دور از حس ماست

آفتاب چرخ را بس راه هاست

ابوطالب که نسبت به این مسأله بی تفاوت نبود، اشعاری در مدح نجاشی سرود و برایش فرستاد، نجاشی با دریافت این سروده ها بسیار خوشحال شد و بر احترام خود نسبت به مسلمانان - که به رهبری جعفر بن ابی طالب (عليه السلام) به حبشه رفته بودند - افزود.

18- حمایت و حراست از رسول خدا (صلي الله عليه وآله): محاصره اقتصادی مسلمانان و تبعید آنان در شعب ابی طالب از سخت ترین فشارهای قریش در خصوص مسلمانان بود. پیامبر و همراهانش تنها در ماه های حرام اجازه داشتند، در مراسم حج و عمره حضور یابند که در این فرصت به دست آمده نیز به تبلیغ دین اسلام می پرداختند. در این میان، نقش اصلی پاسداری از پیامبر و مقاومت در مقابل قریش، به عهده ابوطالب بود. هنگامی که موریانه قطع نامه قریش را نابود کرد، ابوطالب برای شکرگزاری به سوی کعبه رفت و بر مشرکان و مخالفان پیامبر

نفرین کرد.

19- ابو طالب در کلام نور: امام سجاد (علیه السلام) فرمود: ((عجبا که خداوند رسولش را از تجویز نکاح زن مسلمان به مرد غیر مسلمان نهی فرمود، در حالی که فاطمه بنت اسد از پیشگامان قبول اسلام بود و تا هنگام رحلت در عقد ابوطالب باقی ماند)). این فرمایش امام در جواب عده ای بود که در خصوص ایمان ابوطالب مشکوک بودند.

امام باقر (علیه السلام) نیز درباره این مسأله که برخی می گویند: ((ابوطالب در گودالی از آتش بسر می برد!)) فرمود: ((اگر ایمان ابوطالب در يك کفه ترازو و ایمان این افراد در کفه دیگر قرار داده شود، ایمان ابوطالب برتری دارد)).

((ابان بن محمود)) خطاب به امام رضا (علیه السلام) نوشت: فدایت گردم در اسلام ابوطالب گرفتار تردید شده ام. امام در پاسخ این آیه را نوشت: ((کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مومنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می رود می بریم؛ و به دوزخ داخل می کنیم؛ و سرانجام بدی است)). و بعد، بدان که اگر معتقد به ایمان ابوطالب نباشی بازگشت توبه آتش است. 20- ابو طالب، پدر علی (علیه السلام): ابوطالب پدر کودکی شد که بهترین فرزند روزگار بود، همان که تولدش به گونه ای اتفاق افتاد که هیچگاه نظیرش دیده نشد. به همین دلیل به نوزاد تازه متولد شده اش محبتی ویژه داشت با این که حضرت علی (علیه السلام) ده سال قبل از بعثت دیده به جهان گشود، ولی در همان وقت ابوطالب در مورد این کودک سخنانی گفته که از ایمان و سلامتی اعتقاد او حکایت دارد. او در شعری می گوید: ((با ظهور علی (علیه السلام) کمر کفر خم شد و با شمشیرش اسلام استوار می گردد)) و چون نامش را از خداوند طلب کرده بود، لوحی لطیف از آسمان بر زمین آمد و در آغوشش جای گرفت که او و همسرش را به داشتن فرزندی پاک و برگزیده مژده داده بود و نامش ((علی)) گذاشته شده بود. 21- غم هجران: فشارها و سختی های شعب (دژ)، ابوطالب را از پای در آورد و شش ماه پس از آن رحلت کرد (سال دهم بعثت) مرگ وی، رسول اکرم (صلي الله عليه وآله) را اندوهگین ساخت. بی تابانه بر بالین ابوطالب نشست و برگونه هایش دست کشید و فرمود: عمو جان مرا در کودکی تربیت کردی و در یتیمی کفالت نمودی و در بزرگی یاریم نمودی، خدایت از جانب من پاداش نیکو دهد. در وقت حرکت دادن جنازه پیشاپیش آن حرکت می فرمود و درباره اش دعای خیر می کرد.

22- اشعار نغز: در پایان به ابیاتی از ابوطالب که بیانگر میزان و عمق اعتقاد و ایمان او نسبت به رسول خدا و دین

اسلام است، اشاره می کنیم:

و الله لا اخذل النبي و لا

يخذله من بني ذو حسب

به خدا سوگند پیامبر را تنها نمی گذارم و از فرزندانم نیز هیچ با شرفی او را تنها نمی گذارد.

و در سروده ای که برای تحریص نجاشی پادشاه حبشه سروده است عمق باور خویش به پیامبر اسلام را به نمایش گذارده است.

تعلم ملك الحبش إن محمدا

نبي كموسى و المسيح ابن مريم

إتانا بهدى مثل ما اتيا به

فكل يأمر الله يهدى و يعصم

ای پادشاه حبشه بدان که محمد بسان موسی و مسیح پیامبر است همان نور آسمانی را که آن دو نفر در اختیار داشتند، او نیز دارد و تمام پیامبران به فرمان خداوند، مردم را راهنمایی کرده و از گناه باز می دارند.

ابوطالب خطاب به رسول خدا اینگونه اظهار وفاداری و حمایت و پشتیبانی می نماید

والله لن يصلوا اليك بجمعهم

حتی اوسد فی التراب دفینا

و ذکر ت دینا لا محاله انه

من خیر ادیان البریه دینا

به خدا سوگند تا من زنده ام آنان به تو دسترسی نخواهند داشت و دینی را که تو (آورده ای و) به آن متذکر گشته ای بی تردید از بهترین ادیان مردم است.

کفه ایمان ابوطالب از کفه ایمان همه خلق سنگین تر است

آری به این بزرگوار تهمت بی ایمانی می زنند، حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: اگر ایمان ابی طالب را در يك کفه

ترازو بگذارند و ایمان این خلق را در کفه دیگر، ایمان او سنگین تر است. آری ابوطالب چهل و دو سال، در نهایت

وفا و صمیمیت و فداکاری به کفالت و حمایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرداخت، که او مانند پدری مهربان و

همسرش فاطمه بنت اسد همچون مادری او را خدمت و حفاظت و پرستاری نمودند. و مرگ ابوطالب پیامبر

(صلی الله علیه و آله) را به شدت متاثر ساخت، چرا که حضرت یگانه حامی و پناه گاه خود را بعد از خدا از دست

داد، که دشمن پس از او بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) جری و گستاخ گشتند. و مدفن آن حضرت در مکه

قبرستان ابوطالب که به نام آنجناب نامیده شده قرار گرفت، "تغمده الله ببیوحات جنانه"